

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می‌کنیم... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می‌کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی(ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



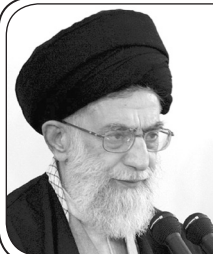
سپاهی. اسلامی. فرهنگی

سال سی و سوم / شماره ۲۲

شماره مسلسل ۱۴۴۵

نیمه دوم بهمن ماه ۱۳۹۱

۳۰۰ تومان



محکومیت برهم زدن سخنرانی
رئیس مجلس در قم

رهبر انقلاب: استناد
رئیس یک قوه به اتهام
ثابت نشده‌ای در دادگاه
خلاف شرع بود

صفحه ۲



پذیرش دانشجوی
دکترای نهج البلاغه
توسط بنیاد
نهج البلاغه

صفحه ۸



در گفتگویی با استاد خسرو شاهی
بررسی شد

رابطه فدائیان
اسلام و اخوان
المسلمین

صفحه ۴



آیت الله موسوی
بجنوردی و
وضعیت حوزه
علمیه نجف اشرف

صفحه ۳



حجت الاسلام والمسلمین مبلتی:

وحدت شیعه و سنی
از پیام‌های انقلاب
اسلامی ایران است

صفحه ۷



هانری کربن
انعکاس حکمای
بزرگ ما چون ابن
سینا و ملاصدرا است

صفحه ۶

هشدار آیت الله مهدوی کنی درباره جدایی علما و فضلا از یکدیگر

آیت‌الله مهدوی کنی اضافه کرد: امام راحل دارای هوش سرشاری بود و هدایت نیروهای مردمی را به خوبی انجام می‌داد؛ نظام اسلامی ایران به عنوان یادگار ارزشمند امام نظامی پویا و ساختارمند است.

رئیس مجلس خبرگان رهبری گفت: امام خمینی(ره) عقیده داشت که فقه حکومتی مقدم بر فقه فردی است و باید متناسب با شرایط زمان و مکان به تبیین احکام پرداخت. وی نیم قرن فعالیت سیاسی و اجتماعی جامعه مدرسین را مورد توجه قرار داد و خاطرنشان کرد: این نهاد مقدس همواره به صورت پویا پشتیبان نظام اسلامی بوده و نگاهی به گذشته، حال و آینده داشته است؛ آثار فعالیت اعضای قبلی جامعه هنوز پابرجاست زیرا فعالیت آنها به گونه‌ای بوده که اقدامات تنها منحصر در زمان و مکان خاصی نباشند.

آیت‌الله مهدوی کنی ادامه داد: سر ماندگاری امام و انقلاب این است که راه انتخاب شده توسط ایشان صالح و بر اساس فرامین الهی بود؛ انقلاب اسلامی ملتی را متحول کرد، همان جوانانی که بر سر دین یک فیلم در سینمای دوران شاه با یکدیگر درگیر می‌شدند پس از انقلاب به جبهه‌ها رفتند و از اسلام و دستاوردهای انقلاب دفاع کردند.

رئیس مجلس خبرگان رهبری با بیان اینکه امام راحل با وجود اقدامات فراوان هیچ ادعایی هم نداشت ابراز کرد: ایشان عقیده داشت که انقلاب اسلامی برکتی الهی بود که از سوی خداوند به ملت ایران اهدا شد.

وی با بیان اینکه جامعه مدرسین حوزه علمیه یک نهاد سیاسی به معنای مدیریت یک نظام است عنوان داشت: اگر خود را انقلابی می‌دانیم باید با سیاست در ارتباط باشیم؛ انتخابات و ورود در سیاست به این معنا نیست که حقه بازی صورت گیرد البته ممکن است برخی اوقات مسائل سیاسی مطابق میل ما پیش نرود.

آیت‌الله مهدوی کنی ادامه داد: با توجه به تجربه‌ای که از فعالیت‌های سیاسی دارم می‌گویم که انقلاب دارای اصالتی فراتر از این است که بخواهیم بر سر مسائل حاشیه‌ای قهر کنیم؛ بقای فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی جامعه مدرسین ورود به مسائل سیاسی جدید است و باید درها را در این عرصه باز کنیم.

آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی در همایش نیم قرن حضور که در قم برگزار شد اظهار کرد: جدایی علما و فضلا از یکدیگر خطراتی را در پی دارد و عده‌ای به سوء استفاده از این مسئله می‌پردازند.

رئیس مجلس خبرگان رهبری گفت: باید طوری رفتار کرد که علما و فضلاء حوزه با جامعه مدرسین در ارتباط باشند؛ جدایی علما از یکدیگر به نفع انقلاب نیست و مقام معظم رهبری هم چنین مسئله را شایسته نمی‌داند. وی امام خمینی(ره) را عامل حیات ملت ایران عنوان کرد و افزود: اعضای جامعه مدرسین باید دو مسئله را همواره مد نظر داشته باشند: این نهاد نباید در محدوده افراد خاصی باشد.

رئیس مجلس خبرگان رهبری با بیان اینکه امام خمینی(ره) امتیازاتی نسبت به سایرین داشت گفت: ایشان نظام اسلامی را بر مبنای پویایی و حرکت بنا نهاد و مقایسه انقلاب اسلامی با مشروطه گویای این حقیقت است. انقلاب اسلامی ایران مسئله‌ای ایستا نیست بلکه امری جاری است و باید ارتباط آن با سلسله فقاهت حفظ شود. وی ادامه داد: سلطنت امری دینی نیست در حالی که دیده می‌شود برخی بزرگان و علما قصد نداشتند سلطنت را از بین ببرند؛ امام راحل از همان ابتدا با پادشاهی مخالف بود و همواره تصریح می‌فرمودند که خلع سلطنت باید در دستور کار قرار گیرد.

آیت‌الله مهدوی کنی با اشاره به عقیده امام مبنی بر سازگار نبودن سلطنت با انقلاب بیان داشت: ایشان ولایت فقیه را ادامه ولایت رسول الله(ص) می‌دانستند و بر تداوم این ارتباط تاکید داشتند.

رئیس مجلس خبرگان رهبری تصریح کرد: امام خمینی(ره) در حرکتی اعجاز گونه وارد عرصه حکومت شد و برای این کار برنامه‌ریزی مدونی داشت و به صورت نظام‌مند این کار را انجام دادند و باقی بودن انقلاب تا این دوران حاصل همین دوراندیشی بود.

وی با بیان اینکه جامعه مدرسین نقش هدایتگری انقلاب را داشته است گفت: امام خمینی(ره) عقیده داشتند که برای باقی ماندن انقلاب باید متناسب با شرایط زمان و مکان حرکت کرد.

پیام حضرت آیت الله جوادی آملی به مراسم چهلمین روز ارتحال آیت الله آقا مجتبی تهرانی

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی اسراء: مراسم چهلمین روز ارتحال عالم ربانی آیت الله مجتبی تهرانی چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه، با حضور مسئولان کشوری و لشکری و نیز انبوهی از دوستداران این استاد برجسته اخلاق در مسجد جامع بازار تهران برگزار شد.

در ابتدای این مراسم پیام تصویری حضرت آیت الله جوادی آملی پخش شد. متن کامل این پیام بدین شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
والحمد لله رب العالمين و صلى الله على جميع الأنبياء والمرسلين والأئمة الهدهاه المهديين سيما خاتم الأنبياء وخاتم الأوصياء(عليهما آلاف التحية والثناء) بهم نتولى ومن أعدائهم تنبرء الى الله

ارتحال عالم ربانی و فقیه بزرگوار حضرت آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی(رضوان الله تعالی علیه) را به پیشگاه ولیعصر(ارواحنا فداء)، جامعه روحانیت، حوزه های علمیه مخصوصا حوزه علمیه تهران و مردم بزرگوار تهران و بیت مکرم آن عالم ربانی و شاگردان و ارادتمندان خاص آن جناب تعزیت عرض می‌کنیم. از ذات اقدس الهی مسئلت می‌کنیم حشر این عالم ربانی را با اولیای الهی قرار بدهد و به بیت مکرم و آقا زاده های گرامی و برادر بزرگ و بزرگوار ایشان آیت الله جناب آقای حاج آقا مرتضی تهرانی(دامت برکاته) تسلیت و تعزیت عرض کرده و تسلی خاطر این بزرگواران را از خدای سبحان مسئلت می‌کنیم امید است این مصباح هدایت در این خاندان کریم به دست بزرگواران این بیت شریف همچنان افروخته و روشن باشد!

مرحوم آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی عمری را صرف علم دینی کرد علم را همانطوری که مستحضرید طبق این روایت مرسل، وجود مبارک رسول گرامی(علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) به دو قسم تقسیم کرد فرمود: «العلم علمان: علم الأدیان و علم الأبدان» که بسیاری از ما این را مکرر شنیده ایم نکته ای که باید مورد عنایت قرار بگیرد این است که برخی ها بر آن اند که علم را به حسب موضوع باید تقسیم کرد و تمایز علوم به تمایز موضوعات است برخی بر آن اند که علم را به لحاظ غایت و هدف باید توزیع کرد و تمایز علوم به حسب تمایز اغراض و اهداف است. خواه طبق نظر اول، خواه طبق نظر دوم، آیت الله حاج آقا مجتبی تهرانی عمر پربرکت را در علوم دینی صرف کرده است. آنها که بر این باورند که تقسیم و تمایز علوم به تمایز موضوعات است می گویند مثلاً تفسیر و فقه علم دینی است طب و داروسازی و مانند آن علم بدنی است، اگر تمایز علوم به تمایز موضوعات باشد این بزرگوار در بحث اخلاق از آیات و روایات مطالب فراوانی استفاده می‌کرد و به مخاطبان خود منتقل می‌کرد و در فقه معارف فراوانی را از کتاب و سنت استفاده می‌کرد و به شاگردان خود می‌آموخت و عمر را در علم دینی صرف کرد و اگر تمایز علوم به تمایز اغراض و اهداف باشد این بزرگوار عمری را در علم دینی صرف کرد زیرا غرض از فقه، عالم شدن خود شخص، باور کردن خود شخص، مهذب شدن خود شخص و عمل کردن خود شخص است اولاً و انداز امت اسلامی است ثانیاً. غرض فقه این نیست که کسی استاد یا مدرس یا مصنف یا سخنران و مانند آن بشود آن آیه کریمه سوره «توبه» که فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ بعدش این نیست که «وَلِيُذَكِّرُوا» و لِيُصْغَرُوا و لِيُحَلِّمُوا و مانند آن، بلکه فرمود: وَلِيُذَكِّرُوا هدف اصلی فقه آن است که انسان به جایی برسد که وقتی از خوف خدا سخن می‌گوید خواه خوف نفسی که از جهنم بترسد و بترساند خواه خوف عقلی که وَاَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَى، هم بهراسد و هم بهراساند این هدف این کار است؛ اگر کسی بعد از تفقه به جایی نرسد که حرف او در جامعه اثر بگذارد و از قیامت بترساند این به هدف حوزه بار نیافته است.

ادامه در صفحه ۶

حضرت آیت‌الله‌مکارم شیرازی: اخلال‌گران قداست قم را شکستند



حضرت آیت الله ناصر مکارم شیرازی در جلسه درس خارج فقه خود که در مسجد اعظم قم برگزار شد با اشاره مطرح شدن

پیشنهاد مذاکره از سوی آمریکاها تصریح کرد: دشمنان گاهی پیشنهاداتی مطرح کرده و مسئله مذاکره را پیش می‌کشند و برخی افراد در این میان گرفتار خوش‌بینی می‌شوند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی تأکید کرد: آیا کسانی که دست دراز کرده‌اند خیرخواهی خود را ثابت کرده‌اند یا عداوت مضاعف را در تمام صحنه‌ها ثابت کرده‌اند؟

وی بیان کرد: ممکن است کار به جایی برسد که مذاکراتی هم صورت گیرد ولی اینگونه نیست که اگر آنها یک سخنی گفتند ما باور کنیم که سر عقل آمده‌اند؛ سوء ظن در اینجا طبیعی است و ما از اینها خیرخواهی و وفای به عهد ندیده‌ایم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به حاشیه‌های سخنرانی رئیس مجلس در قم اشاره کرد و گفت: به مسئولان شهر پیام می‌دهم که ساده از کنار این قضیه نگذرند؛ قداست قم را شکستند، قداست حرم و تربت سیدالشهدا(ع) را شکستند، اگر ساده از کنار این مسئله بگذرید همه مردم بدبین می‌شوند.

این مرجع تقلید تصریح کرد: باید مشخص شود چه اشخاصی مرتکب چنین کاری شدند که نه برای حرم، نه برای تربت سیدالشهدا(ع) و نه برای اشخاص حرمت نگه داشتند.

وی با تأکید بر اینکه باید ریشه‌ها خشکانده شود گفت: فریب خوردگان باید ارشاد و توجیه شوند ولی نباید به سادگی از محرک‌های اصلی صرف نظر شود.

آیت الله جنتی:

حادثه قم، مصداق صریح خیانت به کشور بود

مهر: آیت الله احمد جنتی به مناسبت حضور حماسی مردم در راهپیمایی سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و برخی حوادث ناگوار صورت گرفته در این روز پیامی منتشر کرد.

رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در پیامی اتفاق ناگوار قم را مصداق صریح خیانت به کشور دانست و خواستار پیگیری جدی این بداخلاقی از طریق مراجع ذی‌صلاح شد.

آیت الله احمد جنتی به مناسبت حضور حماسی مردم در راهپیمایی سالروز پیروزی انقلاب اسلامی و برخی حوادث ناگوار صورت گرفته در این روز پیامی منتشر کرد.

در پیام آیت الله جنتی آمده است: ضمن تشکر از مردم شریف و مقاوم و بصیر و لحظه شناس و ولایت مدار در حضور چشمگیر و دشمن شکن در یوم الله ۲۲ بهمن ایران و تقدیر از صدا و سیما و دست اندرکاران و مسئولان امنیتی، بد اخلاقی‌های صورت گرفته و اتفاق ناگوار در قم را که مصداق صریح خیانت به کشور است را محکوم کرده و از مراجع ذی صلاح می‌خواهم با جدیت مسائل را پیگیری کنند و برای همیشه به این بداخلاقی‌ها خاتمه دهند.

محکومیت برهم زدن سخنرانی رئیس مجلس در قم

رهبر انقلاب: استناد رئیس یک قوه به اتهام ثابت‌نشده‌ای در دادگاه خلاف شرع بود

رهبر انقلاب با اشاره به حمایت‌های خود از مسئولان کشور افزودند: بنده باز هم کمک می‌کنم اما این رفتارها، متناسب با سوگندها و تعهدات نیست، مسئولان عظمت ملت را ببینید و رفتاری شایسته این ملت انجام دهند.

ایشان تأکید کردند: مسئولان، دولت و مجلس، همه تلاش‌های خود را برای حل گره‌ها و مشکلات اقتصادی مردم و کشور متمرکز کنند زیرا همانطور که چند سال پیش گفتیم دشمن نقشه‌ها و توطئه‌هایش را در مسائل اقتصادی متمرکز کرده است.

رهبر انقلاب افزودند: تقوا، تقوا، تقوا!، از مسئولان توقع داریم با صبر، میدان ندانن به احساسات سرکش و ملاحظه مسائل کشور، همه توان و نیروها را برای حل مشکلات مردم متمرکز کنند و حالا که دشمنی‌های دشمن شدت یافته، آنها هم رفاقت‌هایشان را شدت دهند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: ان‌شاءالله این نصیحت خیرخواهانه و مشفقانه مورد توجه مسئولان بخصوص مسئولان بالا قرار گیرد و به آن پایبند باشند.

ایشان خاطرنشان کردند: البته گله امروز من از برخی سران و مسئولان موجب نشود عده‌ای راه یفتند و علیه این و آن شعار دهند که با این کار هم مخالف هستیم.

رهبر انقلاب اسلامی، با انتقاد صریح و شدید از اقدام

اخیر برخی افراد در بر هم زدن مجلس سخنرانی رئیس مجلس در قم افزودند: اینکه عده‌ای برخی را ضدولایت و ضدبصیرت بنامند و شعار بدهند نظیر آنچه اخیراً در قم روی داد، اقدامی غلط است و بنده کاملاً مخالف این کارها هستم که قبلاً هم نظیر آن در مرقد مطهر حضرت امام(ره) اتفاق افتاد و به مسئولان تذکر دادم جلوی این کارها را بگیرند.

رهبر انقلاب افزودند: کسانی که راه می‌افتند و شعار می‌دهند اگر واقعاً حزب‌اللهی و مؤمن هستند بدانند که این کارها به ضرر کشور و خلاف شرع است و اگر هم اعتنایی به این حرف‌ها ندارند که حسابشان جداست.

مقابل این روحیه و بصیرت ملت ایران، تعظیم کرد.

ایشان در بخش پایانی سخنانشان به قضیه مهمی که یکشنبه دو هفته قبل در مجلس پیش آمد پرداختند و نکات مهمی را در این باره بیان کردند. رهبر انقلاب با اشاره به ناراحتی ملت و نخبگان از این مسئله افزودند: این قضیه بد و نامناسب، بنده را نیز از دو جهت ناراحت و متأثر کرد یکی از بابت اصل وقوع ماجرا و دیگری بابت ناراحتی مردم از این قضیه.

ایشان افزودند: در این ماجرا متأسفانه رئیس یک قوه به استناد یک اتهام ثابت نشده و حتی مطرح نشده در دادگاه، دو قوه دیگر یعنی مجلس و قوه قضاییه را متهم ساخت که کاری بد، غلط، نامناسب، خلاف شرع، خلاف قانون و خلاف اخلاق بود.

رهبر انقلاب خاطرنشان کردند: این رفتار، حقوق اساسی مردم را نیز تضییع کرد چرا که زندگی در «آرامش و امنیت روانی و اخلاقی»، جزو حقوق اساسی ملت است. رهبر انقلاب تأکید کردند: بنده فعلاً نصیحت می‌کنم که این کار شایسته‌ای برای نظام جمهوری اسلامی نیست. ایشان استیضاح اخیر را نیز کاری غلط خواندند و افزودند: استیضاح باید فایده‌ای داشته باشد اما چند ماه مانده به پایان کار دولت، استیضاح یک وزیر آن هم به خاطر مسئله‌ای که مربوط به وزیر نیست، چه علت و فایده‌ای دارد؟

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: در داخل مجلس هم کسانی حرف‌های نامناسب بر زبان آوردند که آن هم غلط بود. ایشان خاطرنشان کردند: دفاع رئیس محترم مجلس هم قدری زیاده روی بود و لزومی نداشت.

رهبر انقلاب تأکید کردند: نه آن متهم کردن، نه آن برخورد کردن و نه آن استیضاح، مسائل مناسبی نبود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای پرسیدند: وقتی دشمن مشترک وجود دارد و توطئه‌ها از هر طرف شکل می‌گیرد واقعاً جز افزایش برادری‌ها و ایستادگی در مقابل دشمن باید کار دیگری کرد؟

حضرت آیت الله صافی حوادث ۲۲ قم را محکوم کردند

به دقت بررسی و ریشه‌یابی کنند.

این مرجع تقلید شیعیان تأکید کرد تا مسئولین در اسرع وقت نسبت به کسانی که قصد اخلال در امنیت کشور و توهین به مقدسات و حرم آسمانی حضرت معصومه(علیها السلام) را داشتند، قاطعانه برخورد کنند و نتیجه را به اطلاع عموم برسانند.

به وسیله تعدادی، نسبت به رئیس مجلس شورای اسلامی جناب‌علی لاریجانی توهین شد، اشاره کرد و ضمن ابراز تأسف و تأثر شدید، از مقامات امنیتی، انتظامی و قضایی و همچنین از شورای محترم مدیریت حوزه و جامعه محترم مدرسین خواست که به طور جدی و قاطعانه در این مسئله که ارتباط مستقیم با مسائل امنیتی و حوزوی دارد، وارد شوند و موضوع را

تأسف حضرت آیت الله سبحانی و مدیر حوزه علمیه از حادثه قم

اهانت به آستان مقدس حضرت فاطمه معصومه (س) در روز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران عنوان کرده و همچنین بر لزوم برخورد با اهانت‌کنندگان به ساحت مقدس حرم حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها و کسانی که حرمت سالروز جشن پیروزی انقلاب را رعایت نکردند و به رئیس مجلس اهانت کردند، تأکید کرد». «آیت‌الله حسینی بوشهری اقداماتی از این دست را خلاف مصالح نظام جمهوری اسلامی ایران خوانده و بر لزوم حفظ وحدت و آرامش در کشور تأکید کرد».

کرده و آن را «اقدامی در جهت اهداف دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران» خوانده است. «حضرت آیت‌الله سبحانی از اقدام این افراد در ساحت مقدس حوزه ابراز تأسف و تفر کرده و افزوده است: حوزه علمیه صاحب دارد و این نوع اقدامات کار حوزه و طلاب حوزه علمیه قم نیست».

«رئیس حوزه علمیه قم نیز در تماس جداگانه‌ای با رئیس مجلس شورای اسلامی ضمن محکوم کردن اقدام خودسرانه این افراد و اظهار تاسف از بروز چنین اتفاقی حرکت این افراد را اقدامی ناشایست، شنیع و کرده و آن را «اقدامی در جهت اهداف دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران» خوانده است. «حضرت آیت‌الله سبحانی از اقدام این افراد در ساحت مقدس حوزه ابراز تأسف و تفر کرده و افزوده است: حوزه علمیه صاحب دارد و این نوع اقدامات کار حوزه و طلاب حوزه علمیه قم نیست».

بر همه نیروهای متدین و انقلابی و بصیر فرض و واجب است که با حفظ وحدت کامل در پرهیز از هر گونه رفتار تفرقه‌انگیز و وحدت‌شکن و باطاعت کامل و لحظه‌به‌لحظه از فرامین و راهنمایی‌های مقام معظم رهبری مذهب‌العالی فرصت آتش‌افروزی فتنه جدید را از دست دشمنان دانا و دوستان نادان بگیرند و هر حرکت و برنامه و اقدامی که منجر

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، در دیدار بسیار پرشور هزاران نفر از مردم تبریز، در بیانات بسیار مهمی با تجلیل مجدد از حضور پرشکوه و عزتمند ملت در راهپیمایی یوم‌الله ۲۲ بهمن، نکاتی را در باب مسأله‌های اخیر که در مجلس روی داد بیان فرمودند.

در این دیدار که در آستانه قیام ۲۹ بهمن مردم تبریز در سال ۵۶ انجام شد، رهبر انقلاب اسلامی با گرمی داشت یاد و خاطره شهدای آن قیام، دین و ایمان دینی را معیار و ملاک و راهنمای حرکت ملت ایران دانستند و افزودند: نمونه بارز تبلور این حقیقت، مبارزات مردم آذربایجان در ۱۵۰ سال اخیر است که همواره با پشتوانه ایمان دینی و پافشاری بر آن بوده است.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه علت اصلی متزلزل نشدن ملت ایران در مقابل فشارهای قدرتهای جهانی از جمله تحریم‌ها، ایمان دینی ملت بوده است، خاطرنشان کردند: آنها از چند ماه پیش تحریم‌هایی را که ادعای فلج‌کننده بودن آنها را داشتند اعمال و حتی چند روز قبل از ۲۲ بهمن نیز دور جدیدی از تحریم‌ها را وضع کردند تا اراده مردم را سست کنند اما پاسخ ملت ایران این بود که راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال، پرشورتر و گسترده‌تر از سالهای قبل برگزار شد. ایشان افزودند: در راهپیمایی ۲۲ بهمن امسال، همه، از همه جا آمدند و حضور مردم همراه با روحیه بالا و چهره‌هایی خندان و شاداب بود و این حضور عظیم چهره واقعی ملت را بار دیگر نشان داد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه راهپیمایی ۲۲ بهمن در هر سال، همچون ضربه سهمگین و بهمنی بزرگ، بر سر دشمنان و مخالفان ملت ایران فرود می‌آید خاطرنشان کردند: امسال نیز همینگونه شد.

ایشان با قدردانی مجدد از حضور پرشکوه و عزتمندانه ملت ایران در راهپیمایی ۲۲ بهمن، خاطرنشان کردند: اگر صدمه هم این تشکر تکرار شود، باز هم جا دارد و باید در

آیت الله صافی گلیایگانی در دیدار تعدادی از اساتید و فضایی حوزه علمیه قم، ضمن تقدیر و تشکر از حضور پرشور مردم شریف و متدین ایران اسلامی در راهپیمایی ۲۲ بهمن، بیاناتی را پیرامون مسائل کشوری و حوزوی ابراز کرد. وی به هتک حرمتی که در سالروز پیروزی انقلاب اسلامی به حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه(س) انجام شد و در آن

حضرت آیت‌الله جعفر سبحانی و آیت الله حسینی بوشهری طی تماس‌های تلفنی جداگانه‌ای با رئیس مجلس حوادث قم را محکوم کردند.

خانه ملت از تماس تلفنی آیت‌الله سبحانی از مراجع تقلید قم با علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی که برای حضور در اجلاس مجمع مجالس کشورهای عضو اکو در پاکستان به سر می‌برد، خبر داد و نوشته که این مرجع تقلید حوادث رخ داده در جریان سخنرانی رئیس مجلس در حرم حضرت معصومه در سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران را «به شدت» محکوم

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در پیامی حرمت‌شکنی عده‌ای در حرم حضرت معصومه(س) در روز ۲۲ بهمن را محکوم کرد.

متن این پیام به شرح ذیل است:

باسمه تعالی

«إنا لله و إنا الیه راجعون»

فاجعه حرمت‌شکنی حرم امن قدّیسه اهل بیت (ع)، فاطمه معصومه سلام‌الله علیها را به وسیله عده‌ای غافل و گول‌خورده در سالروز پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) و مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید و قاطبه حوزویان و اقشار مختلف ملت بزرگ و انقلابی و شهیدپرور ایران به ویژه مردم با بصیرت و ایمان شهر علم و قیام و شهادت

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی حادثه قم در ۲۲ بهمن را محکوم کرد

به درگیری نیروهای انقلاب با یکدیگر، و ایجاد بدبینی و کینه و نفاق و دشمنی در میان مردم انقلابی شود را با قاطعیت و به موقع خنثی کنند و با حفظ وحدت و صمیمیت و با بهره‌گیری از نصایح مراجع بزرگوار تقلید و علمای بیدار حوزه گوش به فرمان رهبر معظم انقلاب داشته و آمادگی خود را در اجرای اوامر و امتثال دستورات آن حضرت در همه زمینه‌ها و بالخصوص در همه مقاطع حساس آینده‌اعلام نمایند.

بدون شک تحت عنایات عالیه حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) توطئه فتنه‌گران جدید نیز همچون فتنه‌گران گذشته مطرود ملت، خنثی خواهد شد و بار دیگر وحدت و انسجام همه اقشار ملت پشت سر مقام معظم رهبری پیروزی‌های جدید و درخشان‌تری را در روزها و ماه‌های آینده به نفع اسلام و جمهوری اسلامی و ملت بزرگوار ایران رقم خواهد زد.

چند مرجع دیگر در صلاحیت باشند که مرجع شوند. نجف همیشه این طور بود اما الان که نیست و رفت. چشم امید همه اکنون به حوزه قم روشن است پس باید قم را تربیت کرد که مثل نجف آن سال‌ها باشد یعنی مجتهد درست‌کن باشد و مجتهد تحویل دهد البته الان مدرسین خوبی در قم حضور دارند، مثل آیات وحید خراسانی، صافی، موسوی اردبیلی، مکارم شیرازی، شبیری زنجانی و... در قم حضور دارند که آنها از افراد تخبه هستند و خوب می‌توانند مجتهدینی را به جامعه تحویل دهند.

بعضا شنیده می‌شود که تعداد طلبه‌های قم نسبت به دهه‌های گذشته کاهش داشته است. اینچنین است؟

چون حضوری در حوزه ندارم، نمی‌توانم بگویم. من بعضا برای زیارت به قم می‌روم و در کنار آن به دیدار آقایانی که اسم آوردم، می‌روم. ما رفاقت داشته و داریم و ارادت هم داشته و داریم.

اکنون مردم از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دچار تردیدهایی هستند و مانند همیشه چشم به چاره‌اندیشی مراجع و بزرگان دارند؛ بعضا هم می‌بینیم که بزرگانی مانند آیات مکارم شیرازی و صافی گلپایگانی در این‌باره با مردم صحبت کرده و تذکراتی را به دست‌اندرکاران امور اجرایی کشور می‌دهند. فکر نمی‌کنید باید میزان توجه بزرگان به این درخواست‌های مردمی بیشتر باشد؟

من که نمی‌توانم تکلیفی برای آنها تعیین کنم. خودشان مجتهد هستند و من خودم چون حضور ندارم، نمی‌توانم قضاوت کنم.

فکر نمی‌کنم در این مورد به حضور نیاز باشد چراکه خود شما هم یکی از علمای طراز اول هستید و می‌توانید دغدغه‌های مردم را به گوش مسئولان برسانید.

منکر شما نمی‌شوم؛ ما همین وظیفه را داریم. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه همه است و اینطور نیست که بگویم برای شما واجب است و برای شما واجب نیست چون از فروغ دین است امر به معروف برهمه لازم است که آن را اجرا کنند.

روزنامه آرمان

آیت الله موسوی بجنوردی و وضعیت حوزه علمیه نجف اشرف

من در این مورد سوال کردم، شنیدم که طلبه‌ها مانند زمان قدیم نیستند و شاید به درسخوانی آنها نرسند. **مگر حوزه نجف چه ویژگی خاصی داشت که در مورد خالی شدن آن از طلاب ایرانی ابراز تاسف می‌کنید؟**

حوزه نجف، حوزه مجتهدساز بود و مجتهد صادر می‌کرد. باید توجه داشته باشید که عظمت حوزه به اساتید آن است و باید اساتید بنام در آن حضور داشته باشند و حوزه باید مجتهد تربیت کند. وقتی حوزه اساتید بنام و خبره نداشته باشد، این امر محقق نخواهد شد. من حالت ناسیونالیستی ندارم اما باز می‌گویم که گل سرسبد حوزه نجف، ایرانی‌ها بودند و آدم با دیدن فضل و کمال و توانایی آنها در ابعاد مختلف مانند فقه، حقوق و فلسفه، ادبیات و ... حظ می‌کرد اما متأسفانه الان وضعیت اینگونه نیست و فکر نمی‌کنم ۱۰ طلبه ایرانی در حوزه نجف داشته باشیم. الان باید حوزه قم را تقویت کنیم.

یعنی معتقد به جایگزینی حوزه قم بجای حوزه نجف هستید؟

نمی‌خواهم قم را جایگزین نجف کنم اما باید دقت کنید که همیشه شیعه باید یک حوزه اعلاء داشته باشد بنابراین بر این اساس باید حوزه قم با ۵۰ هزار طلبه را تقویت کرد. باید امور طلبه‌های حوزه قم را ضابطه‌مند کنیم تا بیایند. آنها باید درسخوان و باسواد باشند تا بزرگانی مانند قبل به جامعه تحویل دهند. یادمان باشد بزرگانی مانند حضرت امام (ره)، مرحوم آیت‌ا... گلپایگانی و ... همه در قم بودند همچنین بزرگانی از زمان حاج شیخ عبدالکریم حائری و حجت کوه‌کمره‌ای، بروجرودی و ... همه از حوزه قم بودند بنابراین همیشه حوزه قم، بزرگانی داشته است و این روند باید ادامه پیدا کند.

به نظر شما چه اقداماتی باید در حوزه قم صورت گیرد که باز هم شاهد ظهور بزرگانی از این حوزه باشیم؟

باید سعی کرد طلبه‌های قم که حوزه مرجع شیعه است، به نحوی آموزش ببینند که به درجات بالا برسند. حوزه قم باید مجتهد تربیت‌کن باشد. حوزه باید به نحوی باشد که واقعا از آن، مجتهد تحویل جامعه داده شود و این روند هم تداوم داشته باشد به نحوی که بین طبقه اول و طبقات دیگر فاصله نباشد. اگر چهار تا مجتهد رفتند، پنج مجتهد جای آنها بیاید. اگر چهار مرجع (انشاء... خدا طول عمر به آنها بدهد) رفتند،

پژوهشکده امام خمینی (ره) و تاریخ انقلاب اسلامی به گفت‌وگو نشستیم. او تحصیلات علوم حوزوی و دینی خود را در ایران و نجف اشرف به انجام رساند. وی به مدت ۳۰ سال در محضر استادان درجه اول فقه و اصول و فلسفه از جمله مرحومان امام خمینی (ره)، پدر معظم ایشان آیت‌ا... العظمی میرزا سید حسن بجنوردی - صاحب کتاب القواعد الفقهیه و مرجع تقلید وقت - آیت‌ا... خویی و آیت‌ا... حکیم در نجف‌اشرف به فراگیری علوم دینی پرداخت. آیت‌ا... موسوی بجنوردی افول حوزه‌ای که روزی مرکز تشیع بود را تایید کرد و در عین حال گفت که باید برای تقویت حوزه قم تلاش و آن را به مرکز تشیع تبدیل کرد. موسوی بجنوردی که خود در نجف به دنیا آمده، معتقد است شاید حوزه نجف به روزهای اوج خود باز نگردد و آن دورانی که ایرانی‌های زیادی به آن اعتبار می‌بخشیدند، گذشته است. متن مصاحبه آرمان با آیت‌ا... موسوی بجنوردی که ۳۰ سال از عمر خود را صرف درس‌آموزی در کشورهای عربی کرده است، در ادامه می‌آید:

برخی علما و مراجع ایران زمانی در حوزه علمیه نجف به تدریس علوم و همزمان به تدریس در آن حوزه پرداختند اما اکنون کمتر عالم و مرجعی است که تمایل به حضور در این حوزه نجف است. چرا تمایل به حضور در این حوزه کم شده است؟

نجف، روزی حوزه اعلاء شیعیان بود که بر اساس آن اهمیت، مدرسین بزرگی که در آنجا حضور داشتند، به طور واقع می‌توان گفت که گل سرسبد حوزه نجف، طلبه‌های ایرانی بودند یعنی قریب به هزار و بیش از هزار طلبه ایرانی در حوزه نجف بودند. آنها از جمله فضلا و باسوادترین طلبه‌ها ارزیابی می‌شدند و اساتید هم نوعا همان‌ها بودند که البته درس‌های پایین‌تر را تدریس می‌کردند اما الان اگر به نجف بروید، می‌بینید که ما در آنجا، ۱۰ طلبه ایرانی هم نداریم.

یعنی بیش از هزار طلبه تبدیل به ۱۰ طلبه شد؟!

بله. متأسفانه همین طور است. من دو سال پیش که به نجف مشرف شدم، از دیدن وضعیت حوزه نجف گریهام گرفت چون در آن حوزه‌ای که در و دیوارش فضلا، بزرگان و مجتهدان بودند، الان دیگر کسی نیست. ۳ یا چهار نفری هم که هستند، در کنار نشسته‌اند و بقیه برای ملیت‌های دیگر و عراق هستند که وقتی

چند صباحی است که حوزه نجف دیگر آن طراوت و شادابی سال‌های دور را ندارد، نه نشانی از حضور پرشمار طلاب ایرانی در آن است، نه دیگر میل و رغبتی برای احیای مجدد آن. هستند طلاب کشورهای پاکستان و افغانستان و هند و ... که برای تبدیل شدن به علمای درجه اول راهی نجف می‌شوند اما کمتر از میان آنها، مجتهد و فرهیخته‌ای مانند سال‌های دور تربیت می‌شوند. ایرانیانی هم هستند که در این سال‌ها به نجف می‌روند مثلا یک یا دو سال پیش بود که خبر آمد آیت‌ا... هاشمی شاهرودی برای احیای حوزه نجف به این شهر رفت اما ظاهرا این حوزه آنچنان در خود فرو رفته بود که پس از چندی اعلام شد سفر شاهرودی برای تعمیق روابط بوده و نه احیای حوزه. البته هنوز حضور بزرگانی مانند آیت‌ا... سیستانی به حوزه نجف رونق می‌بخشد اما خبری از آن رونق همیشگی نیست. آیت‌ا... سیستانی اگرچه ریاست مطلقه بر نجف دارد، اما فقط‌هادی حوزه است و به حوزویان پند و اندرز می‌دهد و آنان را در سیل سنت‌های مرسوم گذشتگان قرار می‌دهد. در کنارش هم سایر بزرگان (آیات عظام شیخ محمداسحاق فیاض، سیدمحمدسعید حکیم، شیخ بشیر نجفی و...) نشسته‌اند و او را همراهی می‌کنند.

چرا حوزه نجف کمرنگ شد؟

در گزارشی در پاسخ به این سوال آمده است: «اکنون حوزه علمیه نجف نسبت به قم جوان‌تر و میانگین سنی دانش‌آموختگان این حوزه پایین‌تر از قم است. تا سال ۱۳۷۰ (۱۹۸۱ میلادی) اغلب قدما و بزرگان حوزه نجف یا مهاجرت کردند، یا توسط رژیم وقت کشته شدند؛ به جز اندک شخصیت‌هایی. بنابراین تا زمان سقوط صدام، حوزه نجف حوزه مقدمات بود و آنچنان طلاب سطوح عالی و درس خارج در آن وجود نداشت.» علاوه براین باید در نظر داشت که مدرس‌های حوزه نجف هم همچون طلاب آن جوان هستند. با توجه به این داده‌ها باید خالی شدن حوزه نجف از افراد باسابقه و نخبگان قدیمی را یکی از علل افول نسبی این حوزه دانست که سبب شده سطح علمی این حوزه به مراتب پایین‌تر از قبل شود. البته آن دسته از علمای قدیمی که در حوزه نجف قرار دارند، بخش اقلیت را تشکیل می‌دهند که آنچنان کارایی گذشته را ندارد.

گفت‌وگو با عالمی که روزها در حوزه نجف بود

در این راستا با آیت‌ا... موسوی بجنوردی، رئیس

سخنگوی الازهر چه می‌گوید؟

لبنان، بحرین، عراق، مصر، یمن، پاکستان و دیگر کشورهای منطقه اظهر من الشمس است؟ (رابعا) حقوق اهل سنت در ایران چه نقضی دارد که شیخ الازهر به خود اجازه می‌دهد درباره آن با رئیس‌جمهور کشور ما سخن بگوید؟ آیا اهل سنت ایران از حقوق مساوی با تمام شهروندان برخوردار نیستند؟ آیا دارای مساجد و حوزه‌های علمیه فراوانی در مناطق مختلف ایران نیستند؟ آیا مجالس و محافل و نماز جمعه‌های خود را در آزادی کامل برگزار نمی‌کنند؟ آیا در مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری نماینده ندارند؟ آیا در نیروهای نظامی و انتظامی حضور ندارند؟ آیا...

و در مقابل، شیعیان مصر از چه حقوقی برخوردارند؟ آخرین کلام اینکه: بر خلاف اعتقاد اهر نشینان، آنچه باعث عدم ارتقاء روابط دو کشور ایران و مصر می‌شود، اقدامات ایران نیست؛ بلکه توطئه‌های استکبار جهانی و نوکران وهابی آنان است. در این میان، باید دید که وارثان فعلی الازهر الشریف، کدام راه را انتخاب خواهند کرد؟ آیا همانند سلف صالح خود - امثال «شیخ محمود شلتوت» و «شیخ سلیم بشری» - راه برادری اسلامی را در پیش می‌گیرند؛ یا اینکه بازیچه آمریکا، صهیونیسم و مرتجعان عرب خواهند شد؟
به قلم: سید علیرضا حسینی عارف
روزنامه جمهوری اسلامی

و الازهر نمی‌پذیرد که برخی از شیعیان به اصحاب رسول اکرم(ص) اهانت کنند!»

در واکنش به این سخنان، آقای احمدی‌نژاد به وی تذکر داد که این بحث‌ها خوب نیست و هشدار داد در صورت ادامه این سخنان، محل برگزاری کنفرانس خبری را ترک می‌کند. جالب اینکه این سخنان غیر اصولی، حتی مورد اعتراض یکی از روحانیون ازهری حاضر در کنفرانس هم قرار گرفت و وی به سخنگو تذکر داد: «این حرف‌ها را رها کن...».

اما نماینده الازهر با ادامه دادن سخنان واهی خود، با دخالتی آشکار در امور داخلی ایران، ادعا کرد که با احمدی‌نژاد درباره تساهل بین مذاهب و حقوق اهل سنت ایران صحبت و توافق کرده‌اند(!) که در اینجا نیز ایشان سخنان وی را قطع و اعلام کرد که: «ما فقط درباره وحدت و برادری توافق کردیم».

این هشدارها باعث شد که الشافعی با تغییر موضوع بحث، بر وحدت کلمه و همبستگی تأکید کند و با تشکر از مواضع ایران درباره فلسطین اعلام کند که ما از ایران در مقابل هرگونه تهاجم خارجی حمایت می‌کنیم. طرح این مباحث سازنده از سوی وی، موجب تحسین و تشکر از او شد. اما درباره سخنان عجیب و دور از شأن مقامات الازهر نکات زیر قابل توجه است: اولاً) ابراز این سخنان واهی و تفرقه افکنانه از سوی مقامات الازهر در حالی صورت می‌گیرد که

در حالی که امت اسلامی از شیوخ و مقامات الازهر الشریف انتظار دارد که همچون سلف صالح خود، منادی وحدت اسلامی باشند، برخی اتفاقات روز سه شنبه ۱۷ بهمن این دانشگاه باعث تأسف شد. در این روز «آقای احمدی نژاد» در اولین روز سفر خود به مصر، به الازهر رفت و با «شیخ الازهر» و «مفتی مصر» گفتگو کرد؛ اما هم در این دیدار و هم در کنفرانس مشترک خبری که پس از آن انجام شد، سخنان نامناسبی از سوی ازهریون مطرح گردید.

سخنگوی الازهر و رئیس دفتر شیخ الازهر در این کنفرانس به طرح مسائل اختلاف‌افکن و بزرگ‌نمایی مسأله شیعه و سنی پرداخت. وی با طرح اتهامات بی‌اساس سابق مبنی بر تبلیغ تشیع از سوی ایران در کشورهای سنی اعلام کرد که «احمد الطیب» شیخ الازهر در دیدار با احمدی نژاد از تلاش ایران برای نشر تشیع بین اهل مصر و جوانان این کشور و دخالت ایران در کشورهای سنی انتقاد کرد و این امر را مانع ارتقاء روابط ایران و مصر دانست. وی حتی با دخالتی آشکار در آزادی‌های شهروندان کشور خود، از رفت و آمد برخی از مصری‌ها به ایران هم انتقاد کرد!

«شیخ حسن الشافعی» با تجاهل نسبت به فتاوی رهبر معظم انقلاب و مراجع عظام تقلید مبنی بر حرمت اهانت به شخصیت‌های مقدس مذاهب، گفت: «مصر همچنان دژ اهل سنت و جماعت است؛

حجت الاسلام والمسلمین سید هادی خسروشاهی از جمله افرادی است که هم با فدائیان اسلام ارتباط داشته و هم درباره آنها کتاب ومقالات گوناگونی منتشر کرده است که از جمله می توان به ۲ کتاب فدائیان اسلان :تاریخ، عملکرد و اندیشه و زندگی ومبارزه نواب صفوی اشاره کرد .استاد خسروشاهی همچنین درباره فعالیت و اندیشه اخوان المسلمین کتاب ها و تحقیقات بسیاری دارد .به همین جهت با ایشان گفت گویی درباره اشتراکات و ارتباطات فدائیان واخوان المسلمین انجام داده ایم که می خوانید .
(نقل از ماهنامه: «مهرنامه»، شماره ۲۸، مورخ بهمن ۱۳۹۱، صفحه ۱۵۶ و ۱۵۷).

با توجه به سابقه آشنائی عینی - حضوری نیم قرن جنابعالی با رهبری فدائیان اسلام و اخوان المسلمین مصر، شما چه نوع ارتباطی بین این دو حرکت اسلامی از لحاظ سیاسی - فکری و تشکیلاتی را تصور می کنید؟

البته سوابق روابط بنده با رهبری این دو حرکت در ایران و مصر، هم اکنون از نیم قرن گذشته و به حدود شصت سال رسیده است... اما روابط رهبری فدائیان اسلام از لحاظ سیاسی، با اخوان، به همان دو سه سال جریان نهضت ملی ایران و دو سال بعد از شکست آن برمی گردد.

در جریان نهضت ملی ایران که رهبری جناح مذهبی نیرومند آن با آیت الله کاشانی بود، رهبران حرکت های اسلامی، در اغلب بلاد، از جمله مصر، با ارسال پیام، صدور اعلامیه و نشر مقالات در جرائد، از نهضت و رهبری آن پشتیبانی می کردند و در این راستا، حتی شهید سید قطب طی نامه سرگشاده ای که در جرائد مصر انتشار داد که من ترجمه آن را در مجله «تاریخ و فرهنگ معاصر» شماره ۶ و ۷ آورده ام، این حرکت را «هدایت و نور» نامید که در اینجا بی مناسبت نیست فقط سطوری از آن را نقل کنم.

«... باید گفت امروز تنها اخوان المسلمین نیستند که خواستار اتحاد مسلمانان و ایجاد حکومت واحد اسلامی است. این خواسته آیت الله کاشانی، رهبر مذهبی ایران هم هست که بر سر «انگلیسی های سگ» فریاد می زند که نه تنها از ایران، بلکه از کل جهان اسلامی بیرون بروند. او پیمان تشویق و رهنمودهای خود را برای نخست وزیر مصر می فرستد و در خیابان های ایران راه پیمائی هایی به نفع مصر و آرمان عادلانه آن برپا می دارد... این خواسته احمد حسین، رهبر حزب سوسیالیست مصر نیز هست که در نامه گرم خود خطاب به آیت الله کاشانی رهبر ایران، آن را مطرح می سازد که با شمشیر اسلام بر پیکر انحصار نفت ضربه زد. این بیداری است... هدایت است... نور است. وجدان تمامی امت است که بیدار می شود و راه می گشاید و نور می افشاند. این یک سروش آسمانی است... سید قطب - قاهره ذیحجه ۱۳۷۰ هـ»

آنچه که بطور مسلم می توان گفت اینست که شهید نواب به علت بستگی تام و ارتباط کامل با آیت الله کاشانی، قبل از آغاز نهضت ملی ایران و در اوائل حوادث مربوط به آن، اغلب در بیت ایشان حضور داشت و کارگردان تظاهرات و سخنرانی ها در آن حوادث، به امر آیت الله کاشانی بود و بی تردید در همان دوران، با رهبران حرکت های اسلامی و علماء بزرگ بلاد دیگر که به ایران می آمدند و به دیدار آیت الله کاشانی می رفتند، دیدارهایی با آن ها داشته است..

یعنی آیت الله کاشانی روابط گسترده و صمیمانه ای با رهبری حرکت های اسلامی و اخوان المسلمین داشتند؟

به یقین ارتباط شخصیت هایی مانند آیت الله کاشانی با توجه به موقعیت خاصی که داشتند با افرادی چون

در گفتگویی با استاد خسروشاهی بررسی شد

رابطه فدائیان اسلام و اخوان المسلمین

بعضی معتقدند که فدائیان اسلام علاوه بر عقیده، روابط سازمانی و تشکیلاتی نیز با اخوان المسلمین داشتند؟

اتفاقاً مرحوم دکتر حمید عنایت هم درباره روابط فدائیان اسلام با حرکت های اسلامی اهل سنت، در کتاب خود می نویسد: جمعیت فدائیان اسلام بی تردید نخستین و تنها سازمانی بود که روابط فکری - عقیدتی - و شاید هم سازمانی و تشکیلاتی - با حرکت های اسلامی مشابه در بلاد عربی داشت و شاید ترجمه بسیاری از کتاب های سید قطب و محمد غزالی و مصطفی سباعی، در دهسال اخیر، توسط وابستگان و یا هواداران فدائیان اسلام، و نشر آنها در ایران، در همین رابطه بوده است، ولی بهرحال این پدیده که به دور از هر نوع مذهب گرائی است و از سوی یک حرکت شیعی انجام می-گیرد، یک تلاش و کوشش تعجب برانگیزی است...

ولی البته باید توجه داشت که همسانی در اندیشه و عمل، دلیل بر وحدت تشکیلاتی و سازمانی نیست، بلکه باید گفت که وحدت اندیشه و تقارب افکار میان دو سازمان اسلام گرا، ناشی از وحدت در منشأ اندیشه است که کتاب خدا و سنت پیامبر است. در همین راستا استاد علی ضناوی یکی از رهبران اخوان در کتاب معروف خود به نام «کبری الحركات الاسلامیه فی العصر الحديث» از قول برنارد لويس مستشرق انگلیسی، می نویسد که فدائیان اسلام علیرغم داشتن مذهب تشیع، در موارد بسیاری با اندیشه اخوان هم آهنگ بودند و روابط صمیمانه ای با هم داشتند. دکتر ضناوی سپس در بسط ادعای مستشرق مزبور می نویسد: اصول جمعیت «فداییان اسلام» به رهبری شهید نواب صفوی در ابعاد و زمینه های مختلف سیاسی - اجتماعی با مبانی و پایه های عقیدتی و اصولی اخوان المسلمین یکی است و از جمله در موارد زیر:

۱. اسلام دین جهان شمول و نظامی برای زندگی و حیات طویه است. میان مسلمانان، چه شیعی و چه سنی، نزاع مذهبی و فرقه ای نباید وجود داشته باشد. زمینه برای همکاری و جهاد برای عزت و سربلندی اسلام و مسلمانان میان جریان های اسلامی وجود دارد و با وحدت مسلمانان می توان زمینه را برای بازگشت عصر شکوه مند اسلام فراهم کرد.
۲. شرایط منطقه ای و جهانی عامل مهمی در فراهم آوردن زمین های حرکت تقریب میان مذاهب اسلامی بوده است و به همین منظور، اصول اساسی دو گروه (شیعه و اهل سنت) به تعاون و همکاری میان مسلمانان دعوت می کند.
۳. هر دو سازمان نسبت به اهمیت و اصالت قضیه فلسطین و ضرورت مقابله با جنبش ملی گرای کور، سیاست تجاوزگرانه غرب به ویژه امریکا و انگلیس در قبال جهان اسلام و مارکسیسم به عنوان فلسفه، سیاست و دولت، دیدگاه های مشترک و مواضع نزدیکی دارند.
۴. هر دو جمعیت بر این باورند که اسلام و تعلیم آن برای رفاه و سعادت همه افراد بشر آمده و یگانه راه برای حل مشکلات انسان معاصر است.

تعامل مرحوم نواب با برادران اهل سنت چگونه بود و با توجه به اینکه نامبرده یک فرد شیعی متصلب بشمار می رفت، چه عملکردی در قبال آنها داشت.

شهید نواب صفوی در ضمن مصاحبه ای با یک خبرنگار پاکستانی که متن آن در ماهنامه «المسلمون» (ارگان اخوان المسلمین شماره اول سال پنجم، چاپ دمشق - سوریه)، نقل شده است، می گوید:

«... آیا زمان آن فرا نرسیده که مسلمانان حقایق را دریابند و جناح بندی شیعه و سنی را کنار بگذارند و همگی به کتاب خداوند تمسک بجویند؟ البته وجود مذاهب اسلامی، یک امر طبیعی است و ما نمی-توانیم آنها را کنار بگذاریم، ولی با بهره برداری از این وضع به نفع دشمنان، باید مبارزه کنیم».

شیخ عمر تلمسانی مرشد سوم اخوان، در دیداری با اینجانب در لوگانو، گفت: «با تأسیس جمعیت تقریب مذاهب اسلامی که امام البنا و امام قمی در پایه ریزی آن نقش داشتند، میان اخوان المسلمین و شیعیان همکاری برقرار شد و این روند زمینه ساز دیدار نواب صفوی از قاهره در سال ۱۹۵۴ م بود». تلمسانی افزود



که من با شهید نواب صفوی در منزل سعید رمضان - در قاهره - ملاقات کرده و او را انسانی با حمیت و غیرت اسلامی یافته است.

رهبر فدائیان اسلام در روز دهم ژانویه ۱۹۵۴ م، به قاهره رسید و عصر همان روز در دانشگاه قاهره در جمع بسیاری از مردم و دانشجویان سخنرانی کرد. روزنامه الجمهوریه چاپ قاهره گزارش داد: افرادی وابسته به دولت به جلسه اخوان المسلمین حمله کردند و در این درگیری خشونت آمیز، ده ها تن زخمی شدند... روز بعد سرهنگ ناصر دستور انحلال جمعیت و مصادره اموال و توقیف مطبوعات جمعیت را صادر کرد. در این حادثه بیش از پانصد عضو و کادر اخوان المسلمین از جمله شیخ حسن هضیبی مرشد دوم اخوان دست گیر شدند. نواب صفوی برای رفع اختلاف ها و آزادی اعضای اخوان المسلمین - که او میهمان آن ها بود - به دیدار محمد نجیب (رئیس جمهوری) و سرهنگ ناصر (نخست وزیر) رفت و با آن ها ملاقات نمود. علاوه بر مصر، در سوریه و اردن نیز دیدارهای نواب با اسلام گرایان و سیاست مداران حاکم تأثیرات مثبت داشته است.

شهید فتحی شقاقی در کتاب خود، «الشیعه والسنة» می نویسد: نواب صفوی هنگام بازگشت از مصر، در سوریه با رهبران اخوان المسلمین ملاقات و مذاکره کرد و دکتر مصطفی السباعی رهبر اخوان المسلمین سوریه، در دیدار با نواب صفوی گالیه کرد که چرا جوانان شیعه به گروه ها و جریان های ملی گرا و سکولار می پیوندند؟ و به سازمان های اسلام گرای سنی نمی پیوندند؟ و نواب صفوی در سخنرانی خود از جوانان شیعی خواست که به سازمان اخوان المسلمین بپیوندند و این در ایجاد وحدت بین شیعه و سنی، در منطقه شامات تأثیر بسیار داشت.

تأثیر متقابل این سفرها و دیدارها به نظر شما چگونه بوده است؟

نواب صفوی در عین اینکه پس از این سفر، تحت تأثیر سازماندهی و چگونگی تشکیلات اخوان المسلمین در مصر و بلاد عربی دیگر قرار گرفته بود، در واقع با روحیه صداقت و ایمان و اخلاق خود، رهبری اخوان را هم تحت تأثیر خود قرار می دهد و این مطلبی بود که سه نفر از رهبران اخوان: شیخ عمر التلمسانی، دکتر سعید رمضان و شیخ مصطفی مشهور، در ملاقات هایی در قاهره، لوگانو و ژنو، به اینجانب گفتند.

شیخ مصطفی مشهور گفت: «من شهادت می دهم که نواب صفوی در همان حالی که یک شیعه مخلص و با ایمان محکم و استوار بود، برادران سنی خود را هم مثل خود می دانست و فرقی میان اهل سنت و شیعه قائل نبود. او در سفر به قاهره که میهمان ما بود، نماز جماعت را در دفتر مجله «المسلمون» اقامه می کرد که گاهی امامت جماعت را او به عهده داشت و در نمازی دیگر، یکی از برادران ما...»

شهید شیخ حسن البنا، شیخ امجد الزهاوی، شیخ فضیل الورتلانی و دیگر رهبران حرکت های اسلامی، یک امر طبیعی بود و بی تردید جنبه سازمانی و تشکیلاتی نداشت... اما پیروزی ملت ایران در مسئله نهضت ملی شدن نفت، به رهبری شخصیتی چون آیت الله کاشانی، موقعیت ایشان را در جهان اسلام متمایزتر ساخت و روابط بیشتر شد.

گفته شده که در آن دوران حتی پیشنهاد شده بود که آیت الله کاشانی رهبری اخوان را بپذیرند؟

به گفته مرحوم جعفر رائد، مترجم آیت الله کاشانی در سفر حج، در سال ۱۹۴۸ میلادی، ایشان دیدار مبسوطی با شهید شیخ حسن البنا داشتند و پس از شهادت حسن البنا، بعضی از رهبران اخوان از آیت الله کاشانی درخواست کردند که رهبری اخوان را به عهده بگیرند که ایشان به دلائل خاصی، این امر را نپذیرفتند. این نکته را مرحوم رائد، در دیداری در لندن، به خود اینجانب گفت.

دکتر حسن مکی از اسلامگرایان معروف سودانی هم، در کتاب خود به نام «حركة الاخوان المسلمین فی السودان»، چاپ دانشگاه خارطوم می نویسد: «گروهی از اعضاء ارشد اخوان المسلمین، آیت الله کاشانی را برای رهبری جمعیت اخوان المسلمین، نامزد کردند.»

استاد دکتر سعید رمضان، داماد شیخ حسن البنا و یکی از اعضاء برجسته رهبری اخوان المسلمین مصر و مدیر بعدی مرکز اسلامی ژنو، در دیداری که با وی داشتیم، نقل کرد که: من مسئله تقبل رهبری اخوان را با ایشان مطرح کردم، ولی آیت الله گفتند که رهبر و مرشد اخوان باید در مصر حضور داشته باشد و برای من مقدور نیست که در مصر اقامت کنم و از راه دور هم نمی شود یک چنین حرکت عظیمی را اداره کرد.

اشاره کردم که آیت الله کاشانی در سفر حج، با شهید



حسن البنا، ملاقات مفصلی داشته و در آنجا تصمیم هر دو رهبر بر این امر استوار می گردد که یک همایش بین المللی اسلامی در تهران یا قاهره، برای ایجاد وحدت اسلامی، برگزار کنند که این امر در ایران، با کنار گذاشته شدن آیت الله کاشانی توسط ملی گراها! و در مصر با ترور شهید حسن البنا در قاهره، بکلی منتفی گردید.

بهرحال این اشاره ای به حوات آن دوران بود و حضور نواب صفوی در بیت آیت الله کاشانی و ثمرات آن بود و البته من بعید می دانم که شهید نواب صفوی با آن تحرک و روح پر جوش و خروش، در مدت اقامت در عراق - نجف اشرف - با اخوان و یا حداقل ادبیات اخوانی که منشور بود، آشنا نشده باشد، بویژه که بعدها می بینیم شیخ امجد الزهاوی، عالم برجسته و معروف اهل سنت در عراق و رئیس جماعه العلماء آن دیار، از شهید نواب صفوی برای شرکت در یک مؤتمر اسلامی دعوت بعمل می آورد.

سفر نواب صفوی به مصر و بلاد عربی چه تأثیری در پیدایش روابط بهتر و بیشتر بین حرکت های اسلامی مصر و ایران داشت؟

شاید بتوان گفت که دیدار شهید نواب صفوی رهبر جمعیت فدائیان اسلام در سال ۱۳۳۳ از بلاد عربی، بویژه مصر، نقش مهمی در تحکیم روابط میان جریان های اسلامی انقلابی در ایران و مصر داشته و ملاقاتش با رهبران اخوان المسلمین، نقطه عطفی در تاریخ روابط جریان های اسلامی در ایران و مصر بوده است.

هم - در آخرین بازداشت وی - رسماً مطرح شده که من فقط جملاتی از آن را در اینجا نقل می‌کنم و اصل این بازجویی‌ها با دستخط خود شهید نواب صفوی، در «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» نگهداری می‌شود:

«**بازجو:** جمعیت فدائیان اسلام ائتلافی یا ارتباطی با سایر مجامع و دستجات مذهبی در کشور ایران و سایر کشورها دارد یا نه؟

ج: ائتلاف و یا بستگی رسمی نداشته فقط با اتحادیه مسلمین، گروه شیعیان، و جمعیت منتدی نشر در عراق، جمعیت شبان المسلمین در مصر، جمعیت اخوان المسلمین در مصر و شعبات آن در شام و عراق و جمعیت العلماء در شام. به یاری خدای توانا

سید مجتبی نواب صفوی

بازجو: دوستان و یا رابطین فدائیان اسلام با جمعیت‌های ذکر شده را معرفی کنید؟

ج: در اخوان المسلمین سید قطب، آقای هضیبی، آقای سعید رمضان، مصطفی مؤمن، از شبان المسلمین، آقای لواء صالح حرب و شیخ شوماحی. به یاری خدای توانا. سید مجتبی نواب صفوی»

بازجو سپس وارد مسائل دیگر می‌شود که نقل یکی از پرسش‌ها و پاسخ شهید نواب صفوی که جالب است، ظاهراً بی‌مناسبت نیست و می‌تواند قابل تعمق باشد: «**بازجو:** جمعیت فدائیان اسلام به امور سیاسی کشور نیز وارد هست؟

ج: سیاست به معنای روز، نقشه کشی‌های حقه بازی است. دخالت در آن وظیفه مسلمان نیست، اما سیاست به معنای تدبیر امور از روی قوانین اسلام، بر مسلمان وارد، دخالت در آن لازم است و این عین دین است. به یاری خدای توانا. سید مجتبی نواب صفوی» ۳۴/۹/۲۳

ظاهراً این سند، در پاسخ پرسش شما، می‌تواند گویای حقیقت امر باشد.

در گفتگویی با استاد خسروشاهی بررسی شد

رابطه فدائیان اسلام و اخوان المسلمین

است و شهید نواب صفوی حرکت خود را در آغاز دههٔ بیست شروع کرد و برنامه یا مانیفست فدائیان اسلام خود را در سال ۱۳۲۸ منتشر ساخت که شاید در آن زمان سازمان اخوان المسلمین، با صرف نظر از ارائه برنامه‌های کلی در مورد اداره جامعه و تربیت مردم، برنامه مشابه و روشنی در چگونگی ارکان حکومت موردنظر ارائه نکرده و مطرح نساخته بودند و به همین دلیل می‌توان گفت که فدائیان اسلام در نشر مانیفستی در رابطه با چگونگی شکل و ساختار «حکومت اسلامی» پیش‌تاز و پیشگام بوده است... و این سازمان و اندیشه هرگز پیوند یا رابطهٔ سازمانی با دیگران نداشت...

اما روابط عادی - سیاسی شهید نواب صفوی با



عکس تاریخی فوق مربوط به موتمر القدس در سال ۱۳۳۳ شمسی در عمان می‌باشد که شهید سید قطب در کنار شهید نواب صفوی دیده می‌شود. جالب اینکه دعوت کننده شهید نواب، سید قطب بوده است.

رهبری حرکت‌های اسلامی، بویژه پس از دعوت برای شرکت در کنفرانس اسلامی قدس، از سوی شخصیت‌هایی چون شیخ امجد الزهاوی (رئیس جمعیت نجات فلسطین در عراق) و شهید سید قطب، و دکتر سعید رمضان (دبیر کنفرانس) بیشتر و عمیق‌تر شد...

البته همین مسئله در بازجویی‌های دژخیماں رژیم

ظاهراً یکی از اتهامات نواب صفوی از طرف رژیم شاه مطرح شدن روابط وی با اخوان المسلمین بوده، خود ایشان چه پاسخی در این رابطه داشته است؟

برچسب زدن رژیم شاه، به عناصر فعال سیاسی یک امر عادی بود. رژیم برای سرکوب شخصیت‌های برجسته مذهبی و یا حتی ملی، انواع اتهامات را به آنها نسبت می‌داد تا بتواند با تغییر افکار عمومی، در سرکوب آنها موفق گردد... و در همین رابطه ما شاهد متهم شدن شخصیت‌های تأثیرگذار نهضت ایران، به داشتن رابطه با انگلیس! بودیم و متأسفانه این اتهامات در جرائد وابسته به «ملی‌گرایان» هم منتشر می‌گردید که وارد آن بحث نمی‌شویم...



شهید نواب صفوی پس از مراجعت از سفر مصر، از شیخ حسن البنا که توانسته بود سازماندهی نیرومندی در میان اسلام‌گرایان به وجود آورد و نقش ارزنده‌ای در تربیت یک نسل مسلمان در مصر و بلاد عربی دیگر داشت، بسیار تمجید می‌کرد و آرزو داشت که شرایط سیاسی - اجتماعی ایران بهبود یابد و او بتواند، تشکیلاتی مانند تشکیلات اخوان المسلمین مصر، سازماندهی کند.

برخورد اخوانی‌ها با ایشان چگونه بود؟

مسئله سفر شهید نواب صفوی به مصر، پس از برگزاری کنفرانس قدس که به دعوت شهید سید قطب به عمل آمده بود، و اقامت وی در محل و مکتب اخوان و دفتر مجله «المسلمون» ارکان رسمی جمعیت که به سرپریری دکتر سعید رمضان اداره و منتشر می‌گردید، موجب ارتباط وثیق بین ایشان و اخوان گردید که در پرسش قبلی به آن اشاره کردم. دکتر سعید رمضان - داماد حسن البنا - در دیداری در «ژنو» به من گفت که نواب صفوی در قاهره، در دفتر مجله «المسلمون» اقامت داشت و با اخلاق و ایمان خالص خود قلب ما را تسخیر کرد و مرشد اخوان، شیخ عمر التلمسانی در لوگانه به اینجانب گفت که با نواب در منزل سعید رمضان ملاقات کردم او را انسان مخلص و وارسته‌ای یافتیم و همین مطلب را مرشد بعدی مرحوم شیخ مصطفی مشهور هم به بنده گفت و هر سه بزرگوار از صداقت و صمیمیت و همیت نواب صفوی تعریف و تقدیر می‌کردند...

شتابزدگی در مناسبات ایران و مصر

دارد نمی‌تواند از ظرفیت‌های بی‌نظیر خود استفاده کند. دکترخرازی تأکید کرد: آن چه که مهم است خویشتن‌داری است از هر نوع تعجیل و رفتار احساسی در مناسبات ایران و مصر. ایران دارای ظرفیت‌های بسیار زیادی است که مصر بدان نیاز دارد. سفیر پیشین ایران در فرانسه گفت: اولویت اول ما در مناسبات با مصر، اولویت فرهنگی، سپس سیاسی و بعد اقتصادی است. هنوز اولویت‌های ما با مصر سیاست‌گذاری نشده است و نتوانسته‌ایم آن را تعریف و یا باز تعریف کنیم.

او ادامه داد: رفتار مرسی در ماجرای اجلاس غیرمتعهدها در تهران رفتار درستی نبود. هر کسی جایگاه مشخصی دارد. وقتی افراد شتابزده عمل می‌کنند این گونه می‌شود که مصر مبارک با مصر مرسی هیچ تفاوتی برای ایران پیدا نکرده است و تحولی در آن رخ نداده است. شاید یکسری مذاکراتی انجام شده اما هیچ کدام مذاکرات استراتژیکی نبوده است زیرا مناسبات سیاسی بین دو کشور نیازمند بازنگری اساسی است. به زعم من گفت‌وگوها در سطح عالی نبوده است و متأسفانه رفتار مصری‌ها به گونه‌ای است که آن‌ها ما را ابزار معامله‌شان با غرب کرده‌اند.

دکترخرازی تأکید کرد: مهم‌ترین عنصر در مناسبات خارجی ما، خویشتن‌داری از شتاب‌زدگی و نگاه عمیق و استراتژی به ویژه در قبال کشورهایی مانند مصر است. مشاور رییس‌جمهور پیشین کشورمان در پایان تأکید کرد: سه کشور ایران، مصر و ترکیه اساس خیمه خاورمیانه را بنا کرده بودند که از نظر تاریخی، تمدنی و فرهنگی و حتی مذهبی این سه کشور معیار و محور تحولات سیاسی و جغرافیای سیاسی در ۲۰۰ سال گذشته بوده‌اند.

به دلیل پایگاه سنتی و تاریخی که در مصر دارد قابل حذف شدن نیست. شایده دلیل مدیریت ناتوان قدرت را واگذار کند اما همواره در صحنه سیاسی مصر حضور خواهد داشت. این که تصور کنیم با رفتن مرسی، اخوان‌المسلمین صحنه را می‌بازد درست نیست. اخوان در سیاست حضور دارد و نفس پتانسیل‌های اخوان‌المسلمین در مصر و دنیای اسلام مهم‌ترین ابزار قدرت برای یک حزب سیاسی است که فرای جدول‌بندی‌های سیاسی و مرزها توانسته است نقش‌آفرینی داشته باشد.

مشاور رییس‌جمهور پیشین کشورمان ادامه داد: به نظر می‌رسد در پشت پرده‌های مذاکرات سیاسی، مرسی تضمین‌های لازم را به قدرتمندان غربی داده است که در جهت منافع آن‌ها عمل کند و در جهت مخالف منافع آن‌ها گامی بر نمی‌دارد اما ناچار است که یکسری مانورهایی را بدهد و از نحوه مذاکراتش با آمریکا و اروپا کاملاً محسوس است که می‌خواهد هم ناسیونالیست‌ها را کنترل کند و هم رقایش را در داخل مهار کند.

وی با اشاره به مناسبات ایران و مصر، گفت: متأسفم که مناسبات ایران و مصر دستخوش تصمیمات نسنجیده و شتاب زده شده است. آن زمان که لحظه‌ای تصمیم می‌گیرند که یک شبه رابطه را درست می‌کنند و طرف مقابل نه تنها استقبال نمی‌کند بلکه چند گام عقب‌تر می‌گذارد و شرط‌های نامربوط مطرح می‌کند نتیجه‌اش همین می‌شود که می‌بینیم. با سهل‌انگاری نمی‌توان میدان پیچیده سیاست خارجی را مدیریت کرد. وقتی خود آقایان موقعیت استثنایی‌مان را جدی نمی‌گیرند و یا در رقابت‌های منطقه‌یی اعتماد به نفس لازم را نداریم چنین نتیجه‌ای می‌دهد که ایران با ظرفیت استراتژیکی که در جغرافیای سیاسی منطقه

که دوست دارند بروند را می‌روند. در این مسیر جهاد سیاسی و تضاد منافع با منافع استراتژیک آمریکا دیده نمی‌شود. فضای جدیدی است که در حال پوست انداختن و خارج شدن از تفرعن قدرت سیستم سیاسی مبارک است. گزینه دیگری در ارایه تعریف متفاوت از منافع ملی با قدرت‌های درون و بیرون منطقه ندارد. اشتراک منافع خواست قدرت‌های دخیل در تحولات درون مصر است.

خرازی ادامه داد: همان‌گونه که تحولات اقتصادی - صنعتی در جهان در اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ به جمع‌بندی رسید که صنعت خودروسازی برای مدیریت‌های تکنولوژی‌های برتر در جهان باید به دنیای دیگری برود و دنیای سوم را از تکنولوژی خودرو برخوردار کردند و با آن سخاوتمندانه برخورد کردند، در دنیای سیاست نیز چنین فکری را ایجاد کردند که با الگوسازی از این نهضت‌های فکری که بتوانند مدیریت‌شان کنند پیش روند.

مشاور رییس‌جمهور پیشین کشورمان اضافه کرد: آن‌ها با اردوغان اسلام‌گرا و دموکراسی‌خواه منافع‌شان را در ترکیه بهتر جلو بردند تا با نظامیان سنتی که تبلور نظام لایبیک بودند. به مراتب اردوغان از نظامی‌ها و لایبیک‌های ترکیه به منافع غرب نزدیک‌تر خود را نشان داده است. ضمن این که هزینه آن نیز برای دنیای غرب کم‌تر است. به هر حال این اسلام‌خواهان به جای این که اسلحه به دست بگیرند زبان گفت‌وگو دارند و به جای این که در جهت تنازع و تقابل با غرب باشند دور میز مذاکره تأمین‌کننده منافع غرب شده‌اند. او تأکید کرد: تحول استراتژیکی در دنیای غرب صورت گرفته است که در آن به جریان‌های معتدل که در دنیای اسلام ثبت شده‌اند میدان می‌دهد و با آن‌ها گفت‌وگو می‌کند. خرازی اظهار کرد: اخوان‌المسلمین

سفیر پیشین ایران در فرانسه گفت: مناسبات ایران و مصر دستخوش تصمیمات نسنجیده و شتاب‌زده شده است.

به گزارش ایسنا، دکترسیدصادق خرازی که در نشست «بررسی تحولات مصر» در موسسه دیپلماسی ایرانی سخن می‌گفت، افزود: اخوان‌المسلمین با گذر از ادوار تاریخی خود، پس از یازده سپتامبر به عنوان قطب قابل اعتماد غرب در برخی از کشورهای اسلامی ایفای نقش می‌کند. باید درک کرد که تحول فکری و استراتژیکی در فکر غرب سیاسی رخ داده است و آن هم نگاه ایجابی به جریانات و مکتب‌های فکری و سیاسی که در پی تحولات دموکراتیک برای تغییر ماهیت قدرت هستند پدید آمده است. یازده سپتامبر نقطه عطف تغییر نگاه و توجه جدی به نهضت‌ها و نحله‌های سیاسی است که در پی دیالوگ و گفت‌وگو بودند.

او افزود: یکی از این نهضت‌های سیاسی و فعال در دنیای اسلام نیز اخوان‌المسلمین بوده است که سال‌های زیادی در پی رسیدن به قدرت بوده است. اخوان المسلمین با گذر از ادوار تاریخی و با عبور از اخوان جهادی به اخوان دموکراسی‌خواه، اعتماد نسبی غرب را آن هم به عنوان گزینه مواقع اضطرار در تحولات اجتماعی و فکری به دست آورد و نتیجه این تحولات را به‌صورت تدریجی در قطر، ترکیه، فلسطین و و حتی اندونزی و سرزمین‌های دیگر دنیای اسلام به ویژه در مصر شاهد هستیم که آن‌ها با تعامل و دقتی خاص اخوان را مدیریت کرده‌اند و اتفاقاً اخوان‌المسلمین نیز در نقطه‌ای ایفای نقش می‌کند که خواست منافع غرب است.

این چرخش ذاتاً در تعارض و دوگانگی منافع غرب و ایالات متحده نبوده و نخواهد بود. آن‌ها مسیری

هشدار اندیشمند مصری نسبت به ندهای تکفیری

اندیشمند مصری با هشدار نسبت به خطرات فرقه گرای و تعصبات مذهبی در جهان اسلام، نداها و سخنان تکفیری را عاملی برای از هم پاشیدگی امت اسلام برشمرد.

دکتر «محمد الدسوقی» در گفتگو با تقریباً بیان این مطلب، خاطرنشان کرد: تهدیدی که از سوی برخی جریان ها و افراد نسبت به تقریب مذاهب اسلامی وجود دارد، وظیفه منادیان وحدت را سنگین تر می کند.

وی افزود: برای مقابله با این جریان تکفیری، علمای مسلمان باید اهداف شوم آنها را که در راستای منافع رژیم صهیونیستی و غرب برای اختلاف انگیزی بین مسلمانان است، برملا ساخته و برای انسجام و یکپارچگی جهان اسلام بکوشند. این اندیشمند مصری در ادامه بیان داشت: جریانهای تندروی اسلامی چهره اسلام را در نزد جهانیان نازیبا جلوه می دهند و بهانه به دست معاندان و دشمنان اسلام می دهند تا حملات خود را به این دین مبین گسترش دهند.

وی همچنین به مسئله انقلاب های عربی و موج بیداری اسلامی در جهان اسلام اشاره کرد و گفت: خطری که این انقلابها را تهدید می کند، انحراف از مسیر اصلی خود یعنی مبارزه با دیکتاتوری و استعمار و تاکید بر اسلام خواهی است که با توطئه ای از سوی امریکا و غرب برنامه ریزی شده، شاهد برخی انحرافات نیز بوده ایم.

الدسوقی افزود: غربی ها نمی خواهند این انقلابها در مسیر اصلی و صحیح خود در جریان باشد چون با منافع آنها در تضاد است.

وی در ادامه تقریب بین پیروان مذاهب را مهمترین عامل برای وحدت و انسجام اسلامی توصیف کرد و گفت: دین اسلام دین اعتدال و میانه روی است و پیامبر گرامی اسلام(ص) نیز نماد این اعتدال است لذا ما مسلمانان باید از رفتار و کردار پیامبر اعظم(ص) در زندگانی خود سود ببریم.

مشاور عالی مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام:

وحدت و تقریب مذاهب پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران است

هم اکنون این نظام مقدس به عنوان الگو و راهنمای خیزش ها و انقلاب های مردمی در کشورهای اسلامی و مشعل دار بیداری اسلامی در جهان مطرح است.

رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی خاطر نشان کرد: امروز پیام انقلاب اسلامی ایران نوید بخش آینده ای روشن برای همه مسلمانان بوده و در جای جای دنیا شاهد شگفتی آفرینی این انقلاب و نفوذ دستاوردها و مفاهیم والای آن هستیم. آیت الله تسخیری افزود: بدون شک وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی پیام اصلی انقلاب اسلامی ایران بوده و هم اکنون در سایه این وحدت و همبستگی در بین اقوام و مذاهب اسلامی در کشور شاهد تعالی و عزت

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی:

وحدت شیعه و سنی از پیام های انقلاب اسلامی ایران است

دهه فجر تحول بزرگی بود در یک مقطع مشخص از تاریخ و هفته وحدت نیز نامی برای یک تصمیم بزرگ بود که جمهوری اسلامی در یک مقطع به این تصمیم رسید. وی اظهار داشت: انقلاب اسلامی با تاکید بر «وحدت وحدت» پیام بزرگی را مبنی بر اینکه شیعه و سنی باید دنبال وحدت عمیق بر محور پیامبر گرامی اسلام (ص) ارائه کرده است، دهه فجر و هفته وحدت، هر دو نام هایی گزینش شده ناظر به یک تحول تاریخی با پیش زمینه های اجتماعی و تاریخی هستند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی ادامه داد: هر دو مناسبت نسبتی ویژه و جدی با اسلام دارند. پیام دهه فجر همانگونه که از نامش پیداست تشکیل جمهوری اسلامی و نسبت آن با اسلام روشن است و وحدت بین شیعه و سنی، بر اساس یک فریضه دینی و اسلامی است. رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: وحدت شیعه و سنی هم در اندیشه انقلاب و انقلابی ها بود و هم در عرصه عمل آنها در کنار هم و دوشادوش در صحنه مبارزه بودند. ایجاد این هفته در حقیقت تعیین بخشی و ضرورت بخشی برای حرکت در مسیر تحقق آن را مضاعف کرد.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی خاطرنشان کرد: ما از اندیشه های تعیین و تشخیص نایافته در انقلاب اسلامی کم نداریم و اینها نیازمند حرکت ها و تحولاتی از سنخ نام گذاری هفته وحدت هستند تا لباس تعیین و یا شروع برای تعیین یابی را بر تن بپوشند، این اندیشه ها طبیعتاً

رئیس شورای عالی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به دستاوردهای ملی و بین المللی انقلاب اسلامی ایران در عرصه های مختلف سیاسی و فرهنگی، گفت: انقلاب اسلامی ایران پیام آور وحدت برای مسلمانان در سراسر دنیاست.

به گزارش خبرنگار تقریب از سندج، آیت الله «محمدعلی تسخیری» مشاور عالی مقام معظم رهبری در امور جهان اسلام در جمع راهپیمایان سندجی اظهار داشت: انقلاب اسلامی ایران پیام آور صلح و دوستی و اتحاد و همبستگی در بین مسلمانان بوده و جهان را به نور قرآن و تعلیمات اسلامی آشنا کرد. وی افزود: در حقیقت انقلاب اسلامی ایران تحقق وعده های الهی و استقرار حکومت قرآن بوده و

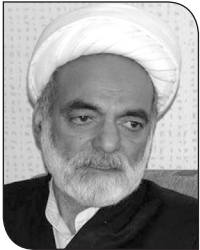
به گزارش ابنا - رئیس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس شورای اسلامی گفت: یکی از مهمترین پیام های انقلاب اسلامی ایجاد و تعمیق بخشی وحدت میان شیعه و سنی بر محور اسلام، قرآن و پیامبر گرامی اسلام (ص) و عبور از فضای فرقه ای، طائفه ای و تعمیم الفت و برادری به امت اسلام می باشد.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، افزود: انقلاب اسلامی با شعار وحدت، از فضای فرقه ای، طائفه ای و تمرکز بر یک فرقه عبور کرده است به گونه ای که انقلاب سال ۵۷ مردم ایران به رهبری حضرت امام راحل و روحانیت با وجود اکثریت شیعه، نه تنها انقلاب شیعی نام نگرفته بلکه انقلاب اسلامی نامگذاری شده است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی همچنین یادآور شد: جهان اسلام امروز ابعاد فرهنگی و سیاسی خاصی پیدا کرده و در هر دو طرف متعصبانی وجود دارند که با حرکت هایی مانند تکفیر، تفسیر به رای، فحاشی و ناسزاگویی، اوضاع شیعه و سنی را تیره و مکدر می کنند. وی گفت: دهه فجر محصول یک انسجام بوده و پیام انسجام اجتماعی را سر داده است هفته وحدت نیز به صورت صریح و شفاف، پیگیر ایجاد یک انسجام میان دو گروه بزرگی که تشکیل دهنده امت اسلامی هستند. حجت الاسلام مبلغی خاطرنشان کرد: وحدت و انقلاب اسلامی هر دو بیانگر تحول تاریخی با باری از یک معنای واجد تحول در مقطعی از تاریخ می باشند،

معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب:

اصلی ترین وظیفه علمای شیعه دعوت به وحدت و نکوهش تفرقه است



به واقعیت آن آگاه شدند و علیه وضعیت اسف بار جامعه خودشان شوریدند. بنابراین این سخنان به هیچ وجه از جانب افرادی که واقعاً حتی نسبت به مذهب خودشان اخلاص داشته باشند نشأت نمی گیرد و انگیزه اظهارات به جز عواملی که اینها را مجبور به اینگونه سخنرانی کرده است نمی تواند باشد.

اوحدی اظهار کرد: زمانی که مجموعه ای میزبان یک میهمان است، حتی بر فرض اعتقاد به چنین مساله ای نباید آن را بازگو کنند و این بر خلاف رسم میهمان داری میان کشورها است که این مسائل اختلافی را باز گو کنند. این مسائل نشان می دهد که عواملی پشت پرده، این ها را به این گونه صحبت کردن مجبور می کند بنابراین هیچ تأثیری در هیچ شخص، جامعه و مسلمانی نخواهد داشت جز اینکه بیشتر مسلمانانی که آگاه شده اند پی به واقعیت این گونه عوامل می برند.

اوحدی با بیان اینکه اینکه این افراد از علمای درباری مصر هستند گفت: آنها هنوز تحت تأثیر همان فرهنگی هستند که به آنها دیکته می شود بنابراین این سخنان نمی تواند در قشر عمده آگاه و بیدار تأثیر گذار باشد اما همان گونه که مشاهده می شود الازهر بارها این گونه صحبت ها را تحت تأثیر حمایت های عربستان عنوان

کرده است و دقیقاً این حرکت ها بعد از پیروزی حزب الله لبنان نیز توسط این گونه عوامل ظهور پیدا کرد که مشکوک به نظر می رسد.

معاون فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب در خصوص نقش عالمان شیعی در جلوگیری از رواج عقاید سلفی عنوان کرد: نقش مهم علمای شیعه افشا گری است یعنی باید این مسائل را برای افکار عمومی و آن کسانی که ممکن است تحت تأثیر این اندیشه ها قرار بگیرند افشا کنند. باید در میان هیاتی که از الازهر دیدار کردند علما و کارشناسان مذهبی نیز حاضر می شدند تا به نحو احسن، آن سخنان را پاسخ دهند. پس اگر آن دیدار یک دیدار مذهبی و از مرکز مذهبی بود، وجود یک فرد شایسته ای که از جهات دینی بتواند با این مسائل برخورد کند ضروری بود تا این سخنان را بدون جواب نگذار.

اوحدی با بیان اینکه بهترین کار علما دعوت شیعیان به وحدت است تصریح کرد: بهترین کاری که علمای شیعه باید انجام دهند دعوت به وحدت و نکوهش تفرقه و بیان آثار زبان بار تفرقه است و اینکه این سخنان جز تفرقه میان امت اسلامی هیچ تأثیر دیگری ندارد.

حجت الاسلام والمسلمین اوحدی تصریح کرد: در

حال حاضر سلفی ها جز خدمت گذاری به اسرائیل و دشمنان مقاومت اسلامی کار دیگری انجام نمی دهند. هر جا که تضعیف موضع اسلام و بد نام کردن اسلام و طرفداران اسلام باشد سلفی ها در آنجا حضور دارند و درست نقطه مقابل جبهه مقاومت و بیداری اسلامی عمل می کنند و تمام امکانات و ثروت خود را در راه مبارزه با حرکت مقاومت مصرف می کنند.

او در ادامه افزود: الازهر همچنان تحت تأثیر سیطره و تأثیر عوامل رژیم گذشته مصر است زیرا نتوانستند خودشان را از نفوذ سیاست های گذشته آزاد کنند پس نمی توان گفت که این حرف ها و اقدامات انقلابی است و از اندیشه های انقلابیون مصر نشأت گرفته است چرا که انقلابیون مصر به هیچ وجه موافق این گونه اظهارات و موضع گیری ها نیستند.

وی در پایان خاطر نشان کرد: شیعیان باید عزت نفسشان را حفظ کنند و تحرکاتشان بر اساس برنامه ریزی های دقیق باشد تا بتوانند جایگاه خودشان را حفظ کنند و علمای اسلام نیز باید جایگاه اصلی و قدرتمند خودشان را در جهان حفظ کنند و این احساس به ملت ها نیز منتقل شود و از مقام برتر و از جایگاه برتری که اندیشه اسلام در حال حاضر در آن حضور دارد، موضع گیری کنند و این حیثیت به هیچ وجه نباید در این گونه درگیری ها و مناقشات لطمه ببیند.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **سیدهادی خسروشاهی**

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۱۴۲۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

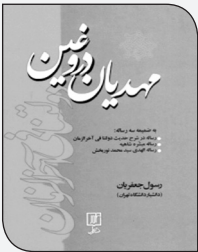
مجموعه سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

معرفی کتاب مهدیان دروغین



نویسنده :دکتر رسول

جعفریان

ناشر: انتشارات علم

این کتاب در هشت

فصل گزارشی تاریخی

از مدعیان مهدویت را در

جهان اسلام و در طول

تاریخ گزارش کرده و سه

رساله نیز بر آن ضمیمه کرده است.

حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان در

مقدمه کتاب مهدیان دروغین می نویسد :

اصل این نوشتار برای ارائه فهرستی از مدعیان مهدویت یا مهدیان دروغین برای یکی از عزیزان و سروران بود. اما چون مفصل شد، ضمن آن که آن هدف برآورده شد، مطالب دیگری بر آن افزوده شده و به این شکل درآمد که شاهد هستید. امیدوارم مطالعه آن برای خوانندگان عزیز و ارجمند سودمند باشد. در این جا چند نکته را باید یادآور شوم:

پرداختن به بحث مدعیان مهدویت، هم برای مورخان اسلامی شیرین بوده و هم برای متکلمان شیعی. چنان که بخش‌های قابل توجهی از کتاب الغیبه شیخ طوسی به این مبحث اختصاص یافته و ماهیت کسانی مانند شلمغانی و نصیری و دیگران که مدعی بایبیت بودند، مورد نقد قرار گرفته است. بنابراین این خط تألیف در این کتاب، استمرار همان حرکت علمی گذشته دانشمندان و مؤلفان شیعه است.

دو دیگر آن که هدف ما بررسی کلیت ماجراهای مربوط به مدعیان نبوده است، بلکه صرفاً اشاره به ادعاهای آنان بوده و در این زمینه، اگر نقل تاریخی ویژه‌ای وجود داشته، آورده شده است. طبیعی است که برای برخی از آنها مانند بایبیت در ایران، کتابهای فراوانی نوشته شده و بحث در باره آنها خارج از چهارچوب این اثر بوده است. بدین ترتیب، هدف ما ارائه یک فهرست از مدعیان بر اساس یافته‌های تاریخی از متون بوده است. با این حال، در برخی از موارد سعی شده زمینه های سیاسی و اجتماعی شماری از این حرکت‌ها نمایانده شود.

سوم آن که مهدویت از عقاید مسلم شیعه و سنی بوده و کسی نمی‌تواند خود را بدون باور به مهدویت شیعه تلقی کند. جامعه تشیع امامی، از دیرباز این باور را داشته و نه تنها اصل مهدویت بلکه مصداق آن را نیز که فرزند امام حسن بن علی عسکری (ع) است معین کرده است. با این حال، همان که در این اثر آمده، مسأله مهدیان دروغین صرفاً منحصر به شیعیان نیست و سنیان نیز اگر نه بیشتر به همان مقدار گرفتار این چالش بوده و هستند.

با این حال، جامعه تشیع، بویژه از قرن سیزدهم هجری به این سمت، در این زمینه، آسیب‌پذیرتر شده و لازم است تا جدیت بیشتری در زمینه آگاهی بخش به توده‌های شیعه داشته باشد. یکی از اهداف این نوشته در حد بضاعت ناچیز علمی مؤلف همین امر بوده است. طبیعی است که ممکن است در برخی از اظهار نظرها دچار لغزش علمی شده باشد که امیدوار است با نقدهای سازنده بتواند از آن لغزشها رهایی یابد. و آخر دعوانا ان الحمدلله رب العالمین

هفتم مهرماه ۱۳۹۱

پذیرش دانشجوی دکترای نهج‌البلاغه توسط بنیاد نهج‌البلاغه

دیگر منتقل کنند.

نهج‌البلاغه، دریایی از موضوعات پژوهشی

مسئول بنیاد بین‌المللی نهج‌البلاغه با بیان این‌که گستردگی موضوعات پژوهشی در حوزه نهج‌البلاغه بسیار بالاست، گفت: تاکنون ۵۰ ترجمه و ده‌ها شرح از موضوعات مختلف نهج‌البلاغه از سوی طلاب و پژوهشگران آماده شده اما ظرفیت نهج‌البلاغه برای پژوهش در حوزه‌های مختلف اعتقادی، سیاسی، اجتماعی و فقهی بسیار بالاست. به طور مثال عهدنامه مالک اشتر دریایی از موضوعات پژوهشی را پیش روی گروه‌های پژوهشی قرار می‌دهد. همچنین معانی چون معاد و خدانشناسی آن چنان در کلام حضرت امیر (ع) قوی و بکر است که باید گروه‌های زیادی برای کشف زوایای تازه آن تلاش کنند.

آغاز دوره دکترای نهج‌البلاغه در بنیاد

آیت‌الله دین‌پرور با بیان این‌که امسال توانستیم تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری را نسبت به فعالیت پژوهش‌کننده و محل تحقیقات نهج‌البلاغه به شکل قانونی و در قالب پژوهشی کسب کنیم، بیان داشت: بر این اساس امسال توانستیم از طریق کنکور سراسری و از میان ۵۰ متقاضی، ۱۲ نفر را در رابطه با نهج‌البلاغه، علوم مرتبط با آن و پژوهش پذیرش کنیم تا دوره دکترای خود را در این زمینه بگذرانند.

انتخاب ۲۰ نفر برای آموزش مربی نهج‌البلاغه

وی با بیان این‌که آموزش نهج‌البلاغه در مقطع فوق لیسانس در دانشگاه‌های یزد، کاشان، علوم حدیث

اهدای ۱۵ هزار جلد کتاب

مسجد جامع، حوزه علمیه و امامزاده سید السادات(ع) این شهرستان قرار دارد.

وی در ادامه به اهمیت انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: این انقلاب توانست به رهبری امام خمینی(ره) دنیا را فرا گیرد و با از بین بردن نظام کمونیستی (شوروی سابق)، توانسته آمریکا را نیز به همین سرنوشت دچار سازد.

رئیس دفتر رهبر انقلاب همچنین از خدمات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی قدرانی کرد و گفت: سید محمد حسینی از وزرای دلسوخته و فرهیخته نظام و انقلاب است و انگیزه خدمت دارد.

رئیس دفتر رهبر انقلاب گفت: ۱۰۰۰ شاگرد در زمان حاضر از علم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استفاده می‌کنند. حجت‌الاسلام والمسلمین محمد محمدی گلیپایگانی در مراسم اهدای ۱۵ هزار جلد کتاب خودبه کتابخانه مرکزی شهرستان گلیپایگان افزود: بدون تعصب می‌گویم که در زمان حاضر، رهبر انقلاب فرد بی‌نظیری هستند. وی گفت: مقام معنوی و علمی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، مقام سیاسی معظم له را پوشانده و بحق یک دانشمند در تمام زمینه‌ها از جمله علم فقه، رجال، تاریخ و فلسفه هستند.

رئیس دفتر رهبر انقلاب افزود: معظم له به بهترین نحو کشور را رهبری و امنیت را برقرار ساختند به طوری که مردم در آرامش کامل به سر می‌برند.

سخنان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه دغدغه امروز رهبر انقلاب، دغدغه فرهنگی است، افزود: این مهم، مسئولیت همگان را زیاده‌تر می‌کند.

روزنگار زندگی و تاریخ سیاسی و اجتماعی زندگی امام خمینی (ره)

این مجموعه دارای فصل ضمیمه‌ای است که ترتیب آن بر اساس ماه‌های قمری است و برخی از حوادث مهم در تاریخ زندگی حضرت امام (ره) را که بر اساس ماه‌های قمری شناخته می‌شوند و نه شمسی، در خود گردآوری کرده است.

این کتاب به کوشش حجت الاسلام و المسلمین محمدعلی خسروی و اصغر میرشکاری از سوی نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره) در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۱۹هزار تومان منتشر شده است.

به یک ماه مشخص را به ترتیب سال وقوع در متن خود به مخاطب ارائه کند.

در این کتاب تلاش شده تا تمام حوادث و رویدادهایی که حضرت امام در آنها نقش اساسی داشته است حتی‌المقدور دسته‌بندی و معرفی شوند و بر برخی موارد نیز مناسبت‌ها با توضیحی مختصر و بیاناتی از ایشان هم همراه شده تا مخاطب کتاب با بخش وسیع‌تری از ابعاد این رویداد آشنایی پیدا کند.

این روزنگار ترتیب روایت حوادث در خود را به اساس ماه‌های شمسی ترتیب داده است. با این حال